



”

روبرت، دانشمند
هندی اصلی که
سال‌های جوانی
خودش را در خدمت به
ناسا سپری کرده است،
در پیری به ایسرو
دعوت می‌شود و
به جای دانشمند جوان
هندی که می‌خواهد
تمام توانش را صرف
پیشبرد فناوری فضایی
کشور خودش کند،
پروژه چاندریان ۲
را به دست می‌گیرد؛
او با همان ذهن
استعمار زده‌ای که
نمی‌تواند ظرفیت‌های
انسانی و فنی داخلی
کشورش را ببیند،
به واردات تجهیزات
و سفینه فضایی رو
می‌آورد

کشورش بتواند به تنهایی و با ظرفیت‌های داخلی، مسیری را که هیچ‌کدام از سازمان‌های فضایی بزرگ دنیا نپیموده‌اند پیماید. با این حال و در کمال ناباوری روبرت، کم‌تجربه‌ترین دانشمندان جوان هندوستانی با خودباوری دست‌نیافتنی‌ها را به واقعیت مبدل می‌کنند و خود، باوری تازه به نام «ما می‌توانیم» می‌سازند.

ایده‌ها از دل محدودیت‌ها می‌جوشند

قطعی مکرر گاز و برق، یکی از معضلات کشور پرجمعیت هندوستان است. تصور کنید اگر یک فیلمساز از رسته روشنفکران ایرانی بود، حتماً این پدیده را تبدیل به داستانی سیاه برای تحقیر ملی می‌کرد؛ اما جگان شاکتی کارگردان مأموریت مریخ، از این واقعیت هم به نفع هندوستان بهره می‌برد. چه کسی فکرش را می‌کرد قطعی مکرر گاز در هندوستان بتواند سبب ایده‌ای شود برای فرستادن فضاپیما به مریخ؟ وقتی تارا یکی

واردکننده‌ها مانع پیشرفت ملی

در دنیایی که کشورهای استعمارگر، ذهن‌های سیاستمداران و مدیران کشورهای جهان سوم و یا حتی در حال توسعه را با خودکم‌پنداری و ناتوانی ملی انباشت کرده‌اند؛ تنها ذهن‌های جوان و ناآلوده می‌توانند در برابر این امواج سست‌کننده بایستند و مسیری تازه را با اتکا به ظرفیت‌های مهجور داخلی باز کنند. روبرت، دانشمند هندی اصلی که سال‌های جوانی خودش را در خدمت به ناسا سپری کرده است، در پیری به ایسرو دعوت می‌شود و به جای دانشمند جوان هندی که می‌خواهد تمام توانش را صرف پیشبرد فناوری فضایی کشور خودش کند، پروژه چاندریان ۲ را به دست می‌گیرد؛ او با همان ذهن استعمار زده‌ای که نمی‌تواند ظرفیت‌های انسانی و فنی داخلی کشورش را ببیند، به واردات تجهیزات و سفینه فضایی رومی‌آورد. دانشمند جوان هندی به او لقب «مرد وارداتچی» را نسبت می‌دهد؛ مردی که از خودباوری ملی خالیست و تصور نمی‌کند